

بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سرقت در شهر گرگان

عبدالرضا ادهمی^{۱*}، زینب تجری^۲

۱- استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

چکیده

هدف این مقاله شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در ارتکاب سرقت در بین زندانیان مرد شهر گرگان و همچنین تعیین تأثیر متغیرهای مستقل مانند فقر، معاشرت با دوستان بزهکار، دینداری شخصی، مشارکت در فعالیت‌های روزمره، تعهد و میزان نظارت والدین بر متغیر وابسته یعنی سرقت و ارایه راهکارها و پیشنهادهای مناسب برای کاهش سرقت است. جامعه آماری در این پژوهش ۴۲۴ نفر از زندانیان مرد متهم به سرقت در سال ۱۳۹۰ است، که محل سکونت آنها شهر گرگان بوده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری اتفاقی ساده است و از میان این جامعه تعداد ۲۱۰ نفر نمونه جهت مطالعه انتخاب شده‌اند. روش مطالعه پیمایشی و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی و در سطح آمار استنباطی، با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کای اسکوئر، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر انجام گرفته است. برای تبیین تأثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته سرقت، از بنیان‌های نظری: مرتن، ساترلند، دورکیم، گلاک و استارک، هیرشی و نی استفاده شده است. نتایج نشان داد، که متغیر مستقل فقر و

میزان رابطه با دوستان بزهکار دارای رابطه‌ی مثبت و معنی داری با متغیر وابسته‌ی میزان سرقت است و متغیرهای دینداری شخصی، تعهد و میزان نظارت والدین دارای رابطه معکوس و معنی داری با میزان سرقت است و نتایج به دست آمده از رگرسیون و تحلیل مسیر نشان دهنده این است که از بین متغیرهای مورد سنجش در این پژوهش، فقر بیشترین تأثیر را بر سرقت می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: سرقت، عوامل اجتماعی، بزهکار.

مقدمه و بیان مسأله

مطالعه و بررسی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی از جمله پدیده سرقت از گذشته‌های دور مورد توجه و علاقه متفکران و اندیشمندان بوده است. و همیشه در جوامع مختلف، میزانی از جرم در هر زمان وجود داشته و خواهد داشت، به قول «دورکیم» جرم، هم پدیده‌ای طبیعی است (ابراهیمی مینق، ۱۳۸۳: ۸۳). با کمی علاقه و بررسی در بروزانواع جرایم اجتماعی به ویژه در سنین جوان کشورمان، بیشتر اندیشمندان اجتماعی، دهه هشتاد را به عنوان یک «بحران اجتماعی» قلمداد می‌کنند.

در استان گلستان نیز، سرقت به عنوان پنج معضل اصلی استان معرفی شده است، و از لحاظ فراوانی وقوع و شمار دستگیر شدگان شهر گرگان در رتبه نخست قرار دارد و شهرهای گنبد و علی آبادکتول در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند، به طوری که تعداد دستگیرشدگان متهم به ارتکاب سرقت در شهر گرگان در سال ۱۳۸۹، ۱۶۵۷ نفر گزارش شده است در حالی که در سال ۱۳۸۸، ۷۹۰ نفر بوده است. بدین ترتیب ما شاهد افزایش ۱۱۰ درصدی هستیم و در سه ماه اول سال ۱۳۹۰، ۴۲۴ نفر از سارقان ساکن در شهر گرگان در زندان بسر می‌بردند و اموال مادی که در راس اموال مسروقه قرار دارند عبارتند از: موتورسیکلت ۳۶۰ مورد، منزل ۱۷۳، داخل خودرو ۷۹ و مغازه ۶۹ مورد گزارش شده است.

جدول (۱) آمار سارقان دستگیر شده

سال	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	سه ماه اول ۱۳۹۰
شماردستگیرشدگان متهم به سرقت (مرد)	۵۲۳	۵۵۰	۵۵۱	۷۹۰	۱۶۵۷	۴۲۴

منبع: فرماندهی انتظامی استان گلستان

منشأ بسیاری از جرایم در کشورمان از عوامل اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی - قومی تاثیر پذیرفته است و موجب پدید آمدن پدیده مذمومی بنام «سرقت» گشته است. این پژوهش تنها به برخی از عوامل اجتماعی موثر در ارتکاب سرقت مانند: خانواده، فقر، دوستان ناباب و دینداری شخصی پرداخته است. برای اینکه سازمان اجتماعی جامعه حفظ شود باید اعضای جامعه اجتماعی شوند و اگر این اجتماعی شدن به درستی صورت نگیرد، جامعه با اشکالی از هنجار شکنی و قانون شکنی مواجه خواهد شد. اولین نهادی که هنجارهای اجتماعی را در افراد نهادینه می کند، نهاد خانواده، است. چون هیچ کس از مادر مجرم متولد نمی شود و انسان در دوران اولیه زندگی خود معصوم است و خانواده بعنوان اولین پایه گذار شخصیت و ارزش ها و معیارهای فکری، نقش مهمی در تعیین سرنوشت و خط مشی زندگی آینده فرد دارد و ارزش ها و معیارهای اجتماعی از طریق خانواده، به کودک منتقل می شود و واکنش کودک نسبت به محیط خود بالطبع تحت تاثیر موازین اجتماعی و فرهنگی گروهی است که در میان آن بزرگ شده است. (احمدی و محسنی، ۱۳۷۸: ۱۸۱)

همچنین باید توجه داشت تاثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تاثیر خانواده نیست چرا که فرد پس از خانواده، منحصرأ زیر نفوذ گروه قرار می گیرد و گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش او هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان بیفتد و با آنها ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش های آنها است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می شود. از این رو به شدت متأثر از آن گروه می گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد

را با آن گروه قطع کرد. ساترلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می‌شود. (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

با توجه به موارد مطرح شده و نیز به دلیل اینکه امروزه یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولین استان گلستان مخصوصاً شهر گرگان، افزایش قابل توجه سرقت و متعاقباً گسترش ناامنی و تهدیدهای مالی و جانی برای مردم استان می‌باشد لذا پژوهشگر در صدد است در حد توان تأثیر برخی عوامل اجتماعی را به عنوان متغیر مستقل بر میزان سرقت (به عنوان متغیر وابسته) مطالعه و میزان تأثیرگذاری و همبستگی هر کدام از عوامل یاد شده را مشخص نماید.

ضرورت پژوهش

در جامعه مانیز با توجه به ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، ساختار جمعیتی بسیار جوان و وجود مشکلات عدیده اقتصادی، انحرافات (از جمله سرقت) به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسایل اجتماعی به شمار می‌آید (حجازی و صالحی، ۱۳۸۵: ۲۲۰). فراگیری جرم سرقت در جامعه بسیار بیشتر از مواردی است که در آمارهای رسمی گزارش می‌شود. منطقاً به نظر می‌آید که تعداد سرقت‌هایی که سارقان آنان هیچ‌گاه شناخته نمی‌شوند و همین‌طور مواردی که سارقان شناخته می‌شوند، اما با وساطت دیگران و یا به دلایل دیگر، صاحب مال از تعقیب سارق صرفه نظر می‌کند از تعداد دزددهایی که مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، کمتر نباشد (اجلالی، ۱۳۸۳: ۶۴). آمارها نشان می‌دهند تعداد دستگیرشدگان به اتهام سرقت در شهر گرگان در سال ۱۶۵۷ به تعداد ۱۳۸۹ نفر بوده است در حالی که شمار سرقت‌های گزارش شده در همین سال ۴۲۷۹ مورد اعلام شده است. بدین ترتیب افزایش ۱۶۰ درصدی در این مورد مشاهده می‌شود (فرماندهی انتظامی استان گلستان). که این آمارها نشان دهنده افزایش نگران‌کننده شمار مرتکبان سرقت در شهر گرگان است.

در هر صورت سرقت یکی از عواملی است که موجب برهم خوردن نظم و آرامش جامعه می‌شود و این گونه حرکات تأثیر عمیقی در ایجاد ناامنی و وحشت میان افراد دارد. درباره ضرورت مبارزه به هیچ وجه اختلافی بین دانشمندان و صاحب نظران نیست و چنانچه اختلافی

باشد درباره شیوه مبارزه است برای مبارزه اساسی با بزه سرقت باید با علل آن به مبارزه برخاست نه با معلول به نظر می‌رسد پرداختن به علل و عوامل اجتماعی پدیده سرقت در کنار سایر عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی اثرگذار، برای شناخت عمیق‌تر این پدیده و پیامدهای مخرب فرهنگی و اجتماعی آن اهمیت زیادی دارد.

پس هدف این پژوهش این است که تاثیر متغیرهایی چون: رابطه با دوستان بزهکار، فقر، دینداری شخصی، اشتغال، مشارکت در فعالیت‌های روزانه، تعهد و میزان نظارت والدین را در ارتکاب سرقت مورد بررسی قرار داد. امید است این پژوهش با شناسایی برخی از جنبه‌های اجتماعی موثر در ارتکاب سرقت، مورد استفاده پژوهشگران و راهگشای مشکلات استان در رابطه با افزایش مرتکبان سرقت باشد.

اهداف پژوهش

الف: هدف اصلی

شناخت عوامل اجتماعی موثر در ارتکاب سرقت در بین زندانیان مرد شهر گرگان

ب: اهداف فرعی

تعیین تأثیر متغیرهای مستقل مانند: دینداری شخصی، رابطه با دوستان بزهکار، فقر، مشارکت در فعالیت‌های روزمره، تعهد، میزان نظارت والدین و اشتغال بر متغیر وابسته یعنی ارتکاب سرقت و ارایه راهکار و پیشنهادهای مناسب برای کاهش سرقت.

پیشینه پژوهش

پژوهشی با عنوان، بررسی عوامل موثر بر جرایم اجتماعی منطقه ۱۴ تهران (نمونه مورد بررسی سرقت در سال‌های ۸۳-۱۳۸۲) توسط ابوالفضل رفیع انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین دو متغیر سن و عمل سرقت رابطه وجود دارد و اکثر سارقین در بین سن ۱۵ تا ۲۵ سال قرار داشته‌اند و همچنین دو متغیر دوستان ناباب و عمل سرقت نیز در سطح بالایی تأیید شد. ضریب همبستگی « کرامر » نشان می‌دهد که دو متغیر نقش دوستان ناباب و عمل سرقت همبستگی ۷۴ درصد وجود دارد.

در پژوهشی دیگر به عنوان آسیب شناسی سرقت و عوامل موثر بر آن (مورد شهر تهران) توسط مسعود بابایی پناهی انجام شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اعتیاد به مواد مخدر بیشترین میزان تأثیر را در تبیین سرقت داشته است و Beta آن ۰/۳۹۲ بوده است و چهار عامل اعتیاد به مواد مخدر، میزان تحصیلات، ارتباط با دوستان ناباب و یأس مجموعاً ۴۳/۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تعیین می‌کنند.

در پژوهشی دیگر با عنوان «پدیده سرقت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در استان کردستان» طی سال ۷۷-۱۳۷۶ توسط احسان هوشمند و ناهید کوه شکاف انجام شده است. محقق به این نتیجه رسیده است که بین سابقه محکومیت و ارتکاب سرقت رابطه وجود دارد و ۵۵ درصد از آنها دارای سابقه محکومیت بوده‌اند و ۵۱/۱ درصد به علت سرقت محکوم شده‌اند و همچنین بین استفاده از مواد مخدر و ارتکاب سرقت نیز رابطه معناداری وجود دارد و ۵۴ درصد از سارقان از مواد مخدر استفاده کردند.

پژوهشی توسط محمد رضا مشکانی و زهرا سادات مشکانی در سال ۱۳۷۱ با عنوان (سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان) در بین نوجوانان پسر و دختر کانون اصلاح و تربیت انجام شد. مشخص گردید که مؤلفه وابستگی نوجوان به خانواده در شدت بزهکاری مؤثر است.. بدین ترتیب که هر چه پیوندهای عاطفی نوجوانان با خانواده بیشتر می‌شود و روابط پدر و مادر با فرزندان سالم‌تر و امن‌تر باشد بزهکاری کاهش می‌یابد مؤلفه‌های مربوط به پیوند افتراقی و مؤلفه ارتباط نوجوانان با دوستان و اقوام نشان می‌دهد وجود همسایگان خلافکار و محله جرم خیز در بزهکاری مؤثر است.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان ریشه بسیاری از کج رفتاری‌ها را در محیط و شرایط اجتماعی جستجو می‌کنند و علل زمینه ساز بسیاری از آنها را خود جامعه می‌دانند. لاکاسانی از مکتب محیط اجتماعی و فرهنگی معتقد است، مجرم مسئول عمل خود نیست و این اجتماع و تقصیرات دسته جمعی هستند که در عمل فرد نگون بخت ظهور می‌کند. لاکاسانی می‌گوید: «تمام مردم دنیا به استثناء جنایتکاران مقصرند.»

مرتن در نظریه آنومی خود بی‌هنجاری را به فشاری اطلاق می‌کند که وقتی هنجارهای پذیرفته شده با واقعیت اجتماعی در ستیزند، بر افراد وارد می‌آید (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۲۹). مرتن ریشه انحرافات اجتماعی را در شکاف میان دو عنصر اساسی ساختار فرهنگی جستجو می‌کند. اولین عنصر در نظریه مرتن شامل اهداف، مقاصد و علایقی است که توسط فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده و به عنوان خواست‌های مشروع مورد پذیرش اکثریت جامعه مطرح هستند که در یک سلسله مراتب ارزشی دسته‌بندی می‌شود. عنصر دوم ساختار فرهنگی، شیوه‌ها، راهها و هنجارهای مشروع رسیدن به اهداف و آرمان‌های فرهنگی را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۷۸: ۴۳۵).

مرتن افراد جامعه را به دو گروه افراد راست رفتار و افراد کج رفتار تقسیم می‌کند کج رفتار از نظر مرتن شامل چهار نوع هستند: نوآوران، مراسم‌گرایان، انزوا جویان و شورشیان. مرتن ساخت اجتماعی را در ایجاد جرم موثر می‌داند و این تاثیر گذاری ساخت را از دریچه اهدافی که در چنین ساختی نهادی شده می‌بیند. در حالی که امکان دستیابی همگان برای نیل به اهداف مورد نظر در این ساخت مقدور نیست. بر این اساس به طور مثال، پول و پول دار شدن به عنوان یک هدف نهادی شده پذیرفته می‌شود و نظام اجتماعی، قادر به ایجاد مشاغل و راههایی که بتواند افراد را بدان هدف برساند، نباشد آنومی و نابسامانی و از هم گسیختگی اجتماعی ایجاد می‌شود که در آن صورت باید منتظر هنجار شکنی و انحراف بود (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۸۳-۸۱). هیرشی به عنوان پیشگام نظریه کنترل اجتماعی علت هم‌نواایی افراد با هنجارهای اجتماعی را «پیوند اجتماعی» آنها دانسته است. این تئوری بر این فرض استوار است که کجروی ناشی از ضعف یا گسستگی تعلق فرد به جامعه است که در اثر کنترل و نظارت اجتماعی به وجود می‌آید. هیرشی معتقد است وابستگی به جامعه دارای چهار عنصر اصلی است:

۱- داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها

۲- تعهد به رفتار عادی باعث می‌شود، افراد در هر جامعه‌ای به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهد» بوده و از کجرفتاری می‌پرهیزند تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده حفظ کنند.

۳- مشغول بودن مردم در فعالیت‌های قراردادی و متداول، افراد را چنان مشغول هم‌نوایی می‌کند که وقتی برای ارتکاب کج رفتاری یا حتی فکر کردن به آن برایشان باقی نمی‌ماند.

۴- اعتقاد به هنجارهای عادی.

ایوان نی، یکی دیگر از نظریه پردازان کنترل اجتماعی است که بر رابطه خانواده و بزهکاری متمرکز شده و رابطه معناداری را میان متغیرهای خانوادگی مانند روابط والدین - فرزند به وسیله شاخص‌هایی چون پذیرش و طرد فرزندان از طرف والدین، روش‌های برخورد والدین با فرزندان و تنبیه را اندازه‌گیری نموده است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

نی معتقد است که خانواده با اعمال نظارت درونی از طریق درونی کردن هنجارها و نظارت غیر مستقیم با ایجاد رابطه عاطفی با فرزندان و نظارت مستقیم و همچنین توانایی خانواده در تأمین زندگی باعث تقویت پیوند اجتماعی فرزندان می‌شود. از نظر نی میزان هم‌نوایی جوانان با هنجارهای اجتماعی و در نتیجه دوری از کجروی بستگی به توانایی خانواده در تحقق این امور دارد (ممتاز، ۱۳۸۷: ۱۲۳). به نظر دورکیم دین در افراد حس وظیفه‌ای اخلاقی ایجاد می‌کند که از طریق آن فشار اجتماعی محترمانه‌ای را احساس کنند و آنان را به تبعیت از خواسته‌های اجتماعی وادار می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۷؛ همیلتون، ۱۳۸۱: ۱۷۵). هری آلپرت که یکی از شارحان آثار دورکیم است می‌نویسد کارکردهای دین از نظر دورکیم را می‌توان در چهار گروه قرارداد: انضباط بخش و آماده ساز، انسجام بخش، حیات بخش و خوشبختی بخش.

به بیان دورکیم، هر گاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی از هم گسیخته شوند، نفوذ نظارت کننده جامعه بر گرایش‌های فردی دیگر کارایی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به خودشان واگذار خواهند شد. دورکیم چنین وضعیتی را آنومی (بی‌هنجاری) می‌خواند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۲). بنابراین یکی از عوامل جلوگیری کننده از بی‌هنجاری، احساس تعلق فرد به

جامعه، میراث فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی است. در تعریف عملیاتی دینداری از الگوی گلاک و استارک استفاده شده است به نظر گلاک و استارک، همه ادیان دنیا به رغم تفاوت‌هایی که در جزئیات دارند، عرصه‌های مشترکی دارند که دین‌داری در آن جا متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد مرکزی دین‌داری به حساب آورد عبارتند از:

- ۱- بعد اعتقادی یا باورهای دینی: مانند اعتقاد به خدا، اعتقاد به معاد و روز جزا؛
- ۲- بعد مناسکی یا اعمال دینی: همچون عبادات، نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن؛
- ۳- بعد تجربی یا عواطف دینی: مانند ترس از خدا، توبه و تقرب به خدا؛
- ۴- بعد فکری یا دانش دینی: توانایی خواندن قرآن، دانستن روش‌های صحیح عبادات؛
- ۵- بعد پیامدی یا آثار دینی: مانند پرهیز از مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خاص مثل مشروبات الکلی.

ادوین ساترلند، یکی از نامدارترین جامعه‌شناسان کج روی فرهنگی است، فرضیه اصلی ساترلند این است که رفتار انحرافی مثل سایر رفتارهای اجتماعی از طریق همنشینی و پیوستگی با دیگران آموخته می‌شود. به نظر او رفتار انحرافی نه روان‌شناختی است و نه ارثی. همان طوری که مردم در مصاحبت و معاشرت با همنویان در طول یک جریان جامعه‌پذیری که نکته بر احترام و مقبولیت هنجارها دارد، متمایل به همنوایی می‌شوند، اگر جریان جامعه‌پذیری طغیان و تخطی از هنجارها را بیاموزد، افراد به سوی رفتار انحرافی کشانده خواهند شد. فراوانی معاشرت از نظر دفعات وقوع، مدت، ارجحیت و شدت می‌تواند متفاوت باشد. یعنی میزان معاشرت فرد با افراد کج رفتار در مقابل افراد بهنجار مورد نظر است. فراوانی و مدت زمان معاشرت بسیار با اهمیت‌اند. ارجحیت با اهمیت است از این نظر که اگر رفتار موافق رعایت قانون در کودکی آموخته شود، فرد در وضعیتی متفاوت با کسی قرار دارد که از ابتدا به عدم رعایت قانون تشویق شده است.

فرضیه‌های پژوهش

- اگر میزان فقر افزایش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر میزان دینداری شخصی کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر میزان رابطه با دوستان بزهکار افزایش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر اشتغال کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر میزان میزان نظارت والدین بر فرزندان کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر میزان مشارکت در فعالیت‌های روزمره کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.
- اگر میزان تعهد کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می‌یابد.

روش پژوهش

روش اصلی این پژوهش پیمایشی است و جامعه آماری عبارت است از، ۴۲۴ نفر از زندانیان مرد متهم به سرقت در سال ۱۳۹۰، که محل سکونتشان شهر گرگان بوده است. برای نمونه گیری در این تحقیق از روش نمونه گیری اتفاقی ساده استفاده شده است که یک روش غیر احتمالی است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۲۱۰ نفر است. برای جمع آوری اطلاعات از زندانیان از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌ها با کمک نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شده است. نتایج آن با استفاده از جداول و نمودارها در بخش توصیفی، با هدف نمایش چگونگی توزیع جامعه نمونه بر اساس متغیرهای مورد مطالعه و در بخش تبیین، نتایج حاصله با هدف یافتن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از طریق ضریب همبستگی پیرسون، آزمون کای اسکوئر، رگرسیون چند متغیره، تحلیل مسیر ارایه شده است.

برای سنجش اعتبار در این پژوهش، ابتدا پرسشنامه با استفاده از کارهای انجام شده و مباحث نظری پژوهش طراحی شده و سپس توسط استاد راهنما و مشاور مورد بررسی قرار گرفته شد که پس از اعلام نظر مساعد اساتید محترم اقدام به تکثیر پرسشنامه در بین جامعه نمونه گردیده است. برای تعیین میزان پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که

ضریب آلفای کرونباخ متغیر وابسته، سرقت ۸۴ درصد و متغیر مستقل فقر ۶۶ درصد و ضریب آلفای کرونباخ بقیه متغیرهای مستقل بالای ۷۰ درصد بوده است که از نظر آماری معنادار محسوب می‌شود.

تعریف نظری و عملی متغیرهای تحقیق

سرقت: سرقت تنها وقتی موجود است که شی موضوع جرم بدون آگاهی و بر خلاف میل صاحب آن از تصرف دارنده قانونی آن به تصرف عامل جرم درآید، لازمه آن گرفتن، برداشتن و کش رفتن است (ستوده، ۱۳۸۳: ۱۵۸). مراد از میزان سرقت در این پژوهش ترکیبی از سه ویژگی میزان محکومیت، تعداد دفعات رفتن به زندان و تعداد سرقت مرتکب شده است که مجموعاً میزان فعالیت فرد را در بزه سرقت نشان می‌دهد.

فقر: در لغت فقر، به معنای شکاف و فاصله ای است که در چیزها پدید می‌آید. بدین لحاظ، استخوان‌های کمر را، که مهره ای شکل و دارای فاصله و شکاف هستند «ستون فقرات» می‌نامند. به همین دلیل به نیازمندی که زندگی آنها مشکل و کمرشان زیر بار مشکلات خمیده شده، فقیر گفته می‌شود (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۶۲). در جامعه شناسی فقر را معمولاً «برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر در حد کفایت» تعریف کرده‌اند (راچ، ۱۳۵۴: ۱۵). شاخص‌های بررسی فقر در این تحقیق عبارت است از: میزان درآمد ماهانه خانوار، نوع منزل مسکونی و قیمت آن، داشتن وسیله نقلیه و قیمت آن و میزان پس‌انداز.

دوستان بزهکار: دوست به کسی گفته می‌شود که فرد با او دارای اشتراک فکری و روانی است (کوئن، ۱۳۷۳: ۸۰). مراد از معاشرت با دوستان بزهکار در این تحقیق اینست که: میزان معاشرت و دلبستگی پاسخگویان به گروه دوستان و همسالان که گروه مرجع وی هستند، چقدر است. که این متغیر با شاخص‌های فراوانی دوستان بزهکار، مدت زمان آشنایی با دوستان بزهکار و شدت رابطه با دوستان بزهکار مورد سنجش قرار گرفته است.

دینداری شخصی: منظور، التزام فرد به دین مورد قبول خویش است. این التزام در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با اوست،

سامان می‌پذیرد. در این پژوهش دینداری افراد در چهار بعد اعتقادات، احساسات، مناسک مذهبی و پیامدی مورد سنجش قرار گرفته است.

میزان نظارت والدین بر فرزندان: منظور از این متغیر آن است که والدین تا چه اندازه فرزندان خود را آزاد می‌گذارند، به عبارت دیگر، میزان کنترل و نظارت والدین بر فرزندان چه اندازه است؟ که این متغیر با شاخص‌های آشنا کردن فرزندان با مفاهیمی مانند قناعت، توجه کردن به زمان ورود و خروج فرزندان، تشویق کردن فرزندان و تنبیه کردن آنها به علت انجام اعمالی مانند سرقت و تأمین نیازهای اساسی فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است.

مشارکت در فعالیتهای روزانه: این عنصر نشان دهنده میزان مشارکت افراد در فعالیتهای اجتماعی و روزمره است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰). شاخص‌های مورد استفاده برای بررسی این متغیر عبارت است از میزان فعالیت روزانه افراد در کار و تحصیل و شرکت در فعالیتهای ورزشی و کلاس‌های آموزشی.

تعهد: دینی است که مردم نسبت به خانواده و جامعه دارند. هر چقدر که سرمایه‌گذاری مردم در تحصیلات، سوابق شغلی، خانه و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، دلیل بیشتری دارند تا همنوا باشند و بتوانند از دستاوردهای خود محافظت نمایند، بر عکس کسانی که سرمایه کمتری دارند، خطر کمتری در ارتکاب جرایم می‌بینند (فیض‌اللهی، ۱۳۸۲: ۵۳). شاخص‌های مورد استفاده در این زمینه شامل: انجام دادن وظایف نسبت به خانواده، کار و تحصیل، اهمیت دادن به خانواده و همسایگان و شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی است.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش پس از تکمیل پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شد. در مقاله حاضر، نتایج تحقیق بر اساس آمار استنباطی بررسی می‌شود. برای بررسی رابطه بین متغیر وابسته سرقت و متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای ضریب همبستگی پیرسون گرفته شده است.

با توجه به جدول بالا، بین میزان سرقت با میزان فقر، میزان رابطه با دوستان بزهکار، میزان دینداری شخصی، میزان مشارکت در فعالیت روزمره، میزان تعهد، میزان نظارت والدین رابطه وجود دارد. یعنی سطح اطمینان ضریب همبستگی پیرسون از ۰/۰۵ سطح اطمینان قابل قبول کمتر است. پس H_1 تأیید و H_0 ابطال می شود.

جدول (۳) بررسی میزان همبستگی بین دو متغیر میزان سرقت و وضعیت اشتغال قبل از دستگیری

sig	درجه آزادی	مقدار	
۰/۸۵	۳	۰/۷۸	پیرسون کای اسکوئر
۰/۸۵	۳	۰/۷۸	Cikelihood Ratio
۰/۳۹	۱	۰/۷۱	Linear-by-Linear Association
		۲۱۰	تعداد

سطح اطمینان به دست آمده به وسیله آزمون کای اسکوئر برابر با ۰/۸۵ است و از آنجا که سطح اطمینان محاسبه شده در جدول بیشتر از سطح اطمینان قابل قبول ۰/۰۵ است، در نتیجه رابطه معناداری بین دو متغیر میزان سرقت و وضعیت اشتغال قبل از دستگیری وجود ندارد. در نتیجه فرضیات:

- ۱- اگر میزان فقر افزایش یابد پس میزان سرقت افزایش می یابد
 - ۲- اگر میزان رابطه با دوستان بزهکار افزایش یابد پس میزان سرقت افزایش می یابد
 - ۳- اگر میزان دینداری شخصی کاهش یابد پس میزان سرقت نیز افزایش پیدا می یابد.
 - ۴- اگر میزان تعهد کاهش یابد پس میزان سرقت نیز افزایش پیدا می یابد.
 - ۵- اگر میزان نظارت والدین کاهش یابد پس میزان سرقت افزایش می یابد.
- در این مرحله متغیرهای مستقل در سطح فاصله‌ای که در ضریب همبستگی پیرسون معنادار شده‌اند و میزان سرقت به عنوان متغیر وابسته در معادله رگرسیون آورده شد.

جدول (۴) محاسبه تحلیل رگرسیون بین متغیرها

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۰/۵۳۸	۰/۲۹	۰/۲۷۲

در جدول فوق مقدار ضریب تعیین ۰/۲۹ است که این مقدار بیانگر این است متغیرهای مستقل می‌توانند به اندازه ۰/۲۹ متغیر میزان سرقت را تبیین کنند.

جدول (۵) محاسبه تحلیل واریانس مربوط به تحلیل رگرسیون بین متغیرها

مدل	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	Sig (اطمینان)
رگرسیون	۵۴۹/۸۶۲	۵	۱۰۹/۹۷۲	۱۶	۰/۰۰
رزی دال	۱۳۴۷/۳۰۴	۲۰۴	۶/۶۰۴		
جمع	۱۸۹۷/۱۶۸	۲۰۹			

با توجه به معناداری نتیجه آزمون در جدول فوق که برابر با $\text{sig} = ۰/۰۰$ است می‌توان برای نوشتن فرمول (معادله خط) رگرسیون به جدول بعدی رجوع کرد.

جدول (۶) محاسبه تحلیل رگرسیون بین متغیر وابسته سرقت و متغیرهای مستقل معنادار شده از ضریب پیرسون

اطمینان	مقدار	ضریب استاندارد نشده		مدل
		ضریب استاندارد شده	B	
۰/۰۰۰	۵/۶۶۵		۱/۳۳۶	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۴/۰۰۶	۰/۲۴۰	۰/۰۴۲	فقر
۰/۰۰۱	۳/۳۷۰	۰/۲۰۱	۰/۰۴۴	معاشرت با دوستان ناباب
۰/۰۰۴	-۲/۹۳۷	-۰/۱۸۱	۰/۰۱۷	دینداری شخصی
۰/۴۴۰	-۰/۷۷۳	-۰/۰۴۹	۰/۰۴۰	تعهد
۰/۰۰۰	-۴/۲۶۶	-۰/۲۷۳	۰/۰۲۷	میزان نظارت والدین

رگرسیون: متغیرهای مستقل: فقر، معاشرت با دوستان بزهکار، دینداری شخصی و میزان نظارت والدین معنادار هستند. یعنی اینکه sig آنها کوچکتر از ۰/۰۵ است. در جدول فوق،

رگرسیون استاندارد نشده و بتا ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده است. نوشتن معادله خط رگرسیون پیش بینی از ضرایب تأثیر استاندارد نشده متغیرها انجام می گیرد که در فرمول خطی رگرسیون قرار می گیرد. که به صورت زیر است:

$$\text{معادله خط} = Y = a + b_1X_1 + b_2X_2 + b_3X_3 + b_4X_4$$

(میزان نظارت والدین) ۰/۱۱۴ - (دینداری شخصی) ۰/۰۵۰ - (رابطه با دوستان بزهکار) ۰/۱۴۷

$$y = ۷/۵۶۶ + ۰/۱۶۹ (\text{فقر}) +$$

معادله خط استاندارد شده: کدام متغیر بیشترین اثر را دارد.

$$Y = B_1X_1 + B_2X_2 + B_3X_3 + B_4X_4$$

(میزان نظارت والدین) ۰/۲۷۳ - (دینداری شخصی) ۰/۱۸۱ - (رابطه با دوستان بزهکار)

$$y = ۰/۲۴۰ (\text{فقر}) + ۰/۲۰۱$$

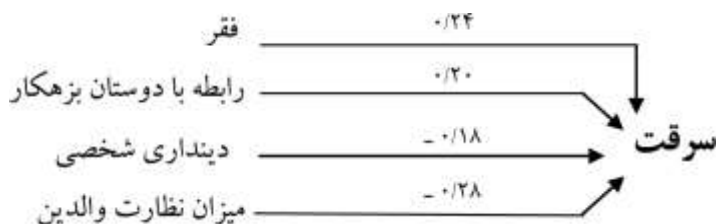
میزان تأثیر گذاری فقر بیش از متغیرهای دیگر است.

تحلیل مسیر: با رویکرد تلفیقی - ترکیبی

در مرحله اول ابتدا رگرسیون بین متغیر سرقت با متغیرهای فقر، معاشرت با دوستان بزهکار، دینداری شخصی، تعهد و میزان نظارت والدین گرفته شده است. در رگرسیون هر کدام را که معنا دار شده را نگه داشته می شود و آنهایی که معنا دار نشده اند را کنار گذاشته و بعد دوباره رگرسیون گرفته می شود. در مرحله دوم: بین آنهایی که معنا دار شدند هر کدام که ضریب Beta آن بیشتر بود متغیر وابسته می شود و بقیه مستقل. حالا بین متغیر وابسته با متغیر مستقل و آنهایی که در مرحله اول کنار گذاشته شده دوباره رگرسیون گرفته می شود. این کار را آنقدر تکرار می شود که دیگر متغیر معنا داری وجود نداشته باشد و یا اینکه یک متغیر وابسته و یک متغیر مستقل وجود داشته باشد.

جدول (۷) محاسبه تحلیل رگرسیون بین متغیر وابسته سرقت متغیرهای مستقل معنادار شده (فقر، رابطه با دوستان بزهکار، دینداری شخصی و میزان نظارت والدین)

اطمینان	مقدار	ضریب استاندارد نشده		مدل
		ضریب Beta	خطا	
۰/۰۰۰	۵/۸۱۹		۱/۲۳۲	عدد ثابت
۰/۰۰۰	۴/۰۲۱	۰/۲۴۰	۰/۰۴۲	فقر
۰/۰۰۱	۳/۴۱۹	۰/۲۰۳	۰/۰۴۴	رابطه با دوستان بزهکار
۰/۰۰۳	-۳/۰۰۵	-۰/۱۸۴	۰/۰۱۷	دینداری شخصی
۰/۰۰۰	-۴/۷۶۲	-۰/۲۸۹	۰/۰۲۵	میزان نظارت والدین



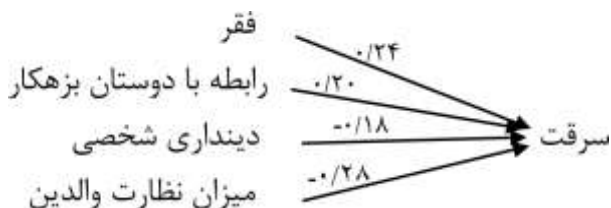
ضریب Beta فقر $\leftarrow 0/240 \leftarrow$ متغیر وابسته می شود

و سپس متغیرهای مستقل معنادار شده در رگرسیون اول (رابطه با دوستان بزهکار، دینداری شخصی، میزان نظارت والدین) و همچنین متغیر مستقل معنادار نشده (تعهد) رگرسیون جدید گرفته می شود.

جدول (۸) محاسبه تحلیل رگرسیون بین متغیر وابسته فقر و متغیرهای مستقل

اطمینان	مقدار	ضریب استاندارد نشده		مدل
		ضریب Beta	خطا	
۰/۰۰۰	۵/۹۶۷		۲/۰۴۲	عدد ثابت
۰/۹۱۵	۰/۱۰۷	۰/۰۰۷	۰/۰۷۲	رابطه با دوستان بزهکار
۰/۰۶۷	-۱/۸۴۱	-۰/۱۳۱	۰/۰۲۸	دینداری شخصی
۰/۸۳۸	-۰/۲۰۵	-۰/۰۱۵	۰/۰۶۷	تعهد
۰/۳۸۷	-۰/۸۶۸	-۰/۰۶۵	۰/۰۴۴	میزان نظارت والدین

با متغیر وابسته فقر هیچ متغیر مستقلی معنادار نشد.



بحث و نتیجه گیری

بر اساس ضریب همبستگی پیرسون افزایش فقر رابطه مثبت و معنی داری با افزایش سرقت دارد. همانطور که در چارچوب نظری گفتیم، از نظر مرتن هنگامی که فرد نتواند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر در اختیار داشته باشد و هدف اصلی فراموش نشود، افراد اهداف و آرمان‌های مورد نظر جامعه را نمی‌توانند با پیروی از راه‌های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند افراد برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود به فعالیت‌هایی مانند دزدی در جامعه روی می‌آورند، از این رو، دزدی، فریب کاری و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۴۰). به طوری که، این پژوهش نشان می‌دهد ۳۴/۸ درصد پاسخگویان میزان درآمد متوسط (۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان) داشته‌اند، میزان فقر در ۵۹ درصد از پاسخگویان زیاد و خیلی زیاد یعنی کمتر از (۵۰۰ هزار تومان) بوده است. این یافته پژوهش با نتیجه پژوهش رنیس دانا (۱۳۷۹) و فولادی (۱۳۸۲) مبنی بر اینکه همبستگی معنی داری میان میزان فقر و میزان سرقت وجود دارد، همسو و هماهنگ است. در این پژوهش بین میزان معاشرت با دوستان بزهکار و افزایش سرقت نیز رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

بر اساس نظریه پیوند افتراقی می‌توان بحث نمود که افرادی که معاشرت بیشتری با دوستان و همسالان بزهکار خود دارند. به دلیل یادگیری و همنوایی با گروه دوستان به سوی رفتار بزهکارانه کشیده شده‌اند، و از سوی دیگر، تأثیر گروه همسالان در دوره بلوغ به اوج می‌رسد؛ یعنی دوره ای که این گروه سنی طبق سلیقه‌ها، نحوه پوشش، اصطلاحات، ارزش‌ها و قهرمانان خود آماده شکل بخشیدن به یک خرده فرهنگ متمایز است (ستوده، ۱۳۷۶: ۴۴) به طوری که، این پژوهش نشان می‌دهد ۴۹ درصد پاسخگویان در سنین (۲۲ - ۱۶) سالگی با دوستان بزهکارشان آشنا شده‌اند. که این یافته با نتیجه پژوهش فولادی (۱۳۸۲) کاملاً هماهنگ است.

ضریب همبستگی پیرسون رابطه معنادار و معکوسی را بین متغیر میزان دینداری شخصی و میزان سرقت نشان می‌دهد. هر دینی نظامی از اصول اخلاقی دارد که شیوه رفتار درست و نادرست را مشخص و مجازات‌هایی (عمدتاً مابعد الطبیعی) را علیه خلافکاران تعیین می‌کند. وقتی معیارهای اخلاقی رفتار آدمیان در یک جامعه به اقتدار مابعد الطبیعی و مقدس مجهز شوند، ارزش‌ها و تجویزهایشان الزام آورتر می‌گردند؛ این معیارها و اصول اخلاقی که صبغه دینی پیدا کرده‌اند به عنوان شکل مهمی از کنترل اجتماعی در مقابل رفتار انحرافی عمل می‌نمایند (کننت و گلاسبرگ^۱، ۱۹۹۶). در پژوهش حاضر نیز، ۸۱ درصد از پاسخگویان میزان دینداریشان متوسط رو به پایین است و ۴۲/۸ درصد افرادی که میزان دینداریشان متوسط رو به پایین است خیلی زیاد مرتکب سرقت شده‌اند که نشان دهنده این است دینداری به عنوان یک کنترل کننده درونی در این افراد بسیار ضعیف است که این یافته با یافته پژوهش طالبان (۱۳۸۰) هماهنگ و همسو است. نتایج بدست آمده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه ضعیف و معکوسی را بین دو متغیر میزان مشارکت در فعالیت‌های روزانه و میزان سرقت نشان می‌دهد، اما این رابطه در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار نیست. مشارکت بر این فرض استوار است که درگیری در فعالیت‌های مورد قبول جامعه، موجب می‌شود وقت و آزادی محدود فرد صرف شده و نتواند به سراغ عمل بزهکارانه برود و اشتغال به کار، ورزش کردن، درس خواندن،... از این نوع فعالیت‌هاست (علیوردی‌نیا و آرمان مهر، ۱۳۸۶: ۱۲۴). نتایج بدست آمده از جامعه آماری بر خلاف نظریه پیوند اجتماعی است.

چون مشارکت در فعالیت‌ها روزمره و باشگاه‌های ورزشی برای این قبیل از پاسخگویان خود جرم‌زا بوده و شرایط مناسب را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کنند. حتی بعضی ورزش‌ها نیز انگیزه زور آزمایی، تقلب و شرط‌بندی پیش‌گویانه را افزایش می‌دهد. در این پژوهش نیز، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، ۶۶/۷ درصد متوسط رو به بالا بوده است. همچنین این یافته با نتیجه پژوهش کرباسی و وکیلان (۱۳۷۷) هماهنگ است.

همچنین بین دو متغیر میزان تعهد و میزان سرقت رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. براساس نظریه پیوند اجتماعی تعهد مربوط به سرمایه‌گذاری است که فرد برای دستیابی به

اهداف عرفی نظیر تحصیلات بالا و شغل،... و تلاش برای حصول این اهداف انجام می‌دهد هرچه سرمایه‌گذاری‌ها بیشتر باشد یا انگیزه برای کسب آن بالاتر باشد دلیل بیشتری برای همنوایی با هنجارهای جامعه وجود دارد (علیوری نیا، آرمان مهر، ۱۳۸۶: ۱۲۴) تحقیقات انجام شده بر روی پاسخگویان نشان می‌دهد که ۴۷/۱ درصد پاسخگویان مجرد هستند. و همچنین میزان تحصیلات بیشتر پاسخگویان در حد راهنمایی (۴۰ درصد) و متوسطه (۳۵/۲) درصد بوده است. و وضعیت شغلی بیشتر پاسخگویان قبل از محکومیت ۴۰ درصد بیکار و ۳۸/۱ درصد خوداشتغال بوده‌اند. بنابراین سه عامل تعهدساز (متأهل بودن، شغل مناسب و تحصیلات عالی) در افراد پاسخگو ضعیف است. یافته‌ها بیانگر رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان نظارت والدین و سرقت است.

بر اساس نظریه نی یکی از نظریه پردازان نظریه کنترل اجتماعی است، می‌توان بحث نمود که خانواده نقش بسزایی در کنترل درونی از طریق جامعه‌پذیری و کنترل بیرونی از طریق نظارت مستقیم و غیر مستقیم بر فرزندان دارد. در خانواده‌هایی که از زمان کودکی برخی از صفات اخلاقی مانند قناعت، درستکاری را در فرزندانشان نهادینه نکرده‌اند و هیچگونه نظارت مستقیمی بر فرزندان مانند ورود و خروج آنها از منزل ندارند، فرزندان در چنین خانواده‌ها بیش از خانواده‌هایی که در این امر موفق هستند شاهد هنجار شکنی و بروز رفتارهای بزهکارانه از طرف فرزندان خواهند بود. بر اساس آزمون کای اسکور رابطه ضعیفی بین دو متغیر اشتغال و میزان سرقت وجود دارد، اما این رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نیست.

بر اساس نظریه پیوند اجتماعی داشتن شغل با عنوان فعالیتی که بخش عمده وقت و انرژی افراد را به خود اختصاص می‌دهد به عنوان مهمترین عامل در کاهش رفتار بزهکارانه افراد بیان می‌گردد. شاغلان تعلق خاطر بیشتری نسبت به افراد و نهادها دارند، افراد برای حفظ این منزلت و همچنین تلاش آنها برای رسیدن به اهداف دیگر زندگی، باعث پیوند بیشترشان با جامعه می‌شود. نتایج به دست آمده از جامعه آماری برخلاف نظریه پیوند اجتماعی است.

از ۲۱۰ نفر نمونه مورد مطالعه، ۴۴/۷ درصد بیکار و در حال تحصیل و ۵۵/۲ درصد شاغل هستند، که از این تعداد، ۳۸/۱ درصد خود اشتغال بوده‌اند، و از ۳۸/۱ درصد از افراد خود

اشتغال ۲۷/۵ درصد خیلی زیاد مرتکب سرقت شده‌اند، که نشان می‌دهد بسیاری از سارقان حرفه ای سرقت را به عنوان یک شغل پذیرفته‌اند، ولی از بیان آن خودداری کرده‌اند.

پیشنادهای پژوهش

آنچه از این پژوهش بر می‌آید این است که بهترین راه مبارزه با سرقت به معنای واقعی آن را باید در بهسازی فضای خانواده‌ها پیدا کرد. در این پژوهش زمینه‌های مختلفی چون محرومیت‌های مادی، داشتن پیوند اجتماعی، نظارت والدین و رابطه با دوستان بزهکار را در فصل نتیجه گیری برشمردیم و اکنون راه‌های را برای کاهش، کنترل و تعدیل آن پیشنهاد می‌کنیم:

- ۱- از بین بردن فقر و محرومیت با توجه به تأثیر مهمی که اوضاع نابسامان اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها در ارتکاب به سرقت دارد؛
 - ۲- کنترل و مراقبت پدر و مادر در مورد دوستان ناباب و به طور کلی در مورد دوستان فرزند خود یک ضرورت است؛
 - ۳- والدین در خانواده‌ها باید در فرد احساس مسئولیت را به وجود آوردند و کارهایی را که منجر به ایجاد احساس مسئولیت در آنها می‌شود، واگذار کنند؛
 - ۴- تقویت اعتقادات فرزند به ویژه در کودکی و نوجوانی در کنار پایبندی والدین به آموزه‌های دینی؛
 - ۵- مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود؛
 - ۶- برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراقت نوجوانان و جوانان؛
 - ۷- برنامه ریزی‌های اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه.
- از آنرو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بیکاری و فقر می‌باشد می‌بایست با برنامه ریزی دقیق که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه کنی فقر و بیکاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

منابع

- ۱- اجلالی، پرویز (۱۳۸۳). "چکیده مباحث مطرح شده در محور سرقت" در مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱، جلد ششم: مسایل و جرایم مالی - اقتصادی و سرقت، تهران، نشر آگه.
- ۲- احمدی، حبیب الله (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی انحرافات. تهران، انتشارات سمت.
- ۳- احمدی، حسن و محسنی، نیک چهر (۱۳۷۸). روان‌شناسی رشد. تهران، انتشارات جیحون.
- ۴- اصفهانی، راغب (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. بیروت، دارلشامیه.
- ۵- ابراهیمی مینق، جعفر (۱۳۸۳). بررسی سرقت از دیدگاه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی خلخال. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی
- ۶- ستوده، هدایت الله (۱۳۷۶). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران، انتشارات آوای نور، چاپ چهارم.
- ۷- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات). تهران، انتشارات آوای نور.
- ۸- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران، انتشارات آن.
- ۹- حجازی، الهه و صالحی، کیوان (۱۳۸۵). عوامل مؤثر در بروز انحرافات اجتماعی از دیدگاه دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
- ۱۰- راج، جک رال و راج، جانت ک (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی فقر. ترجمه احمد کریمی، امیر کبیر.
- ۱۱- فیض الهی، علی (۱۳۸۲). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر اعتیاد در بین جوانان ایلامی. شماره ۱۸-۱۹.
- ۱۲- کوئن، بروس (۱۳۷۳). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل.
- ۱۳- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.

۱۴- کوزر، لوئیس و برنارد، روزنبرگ (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی.

۱۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی

۱۶- ممتاز، فریده (۱۳۸۷). انحرافات اجتماعی نظریه و دیدگاه‌ها. تهران، شرکت سهامی انتشار.

۱۷- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات). تبریز، انتشارات نوبل.

۱۸- همیلتون، ملکم (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، چاپ دوم.

19- Kenneth. J. Newbeck and Davita Silfen Glosberg. Sociology McGraw – Hill, Inc, 1996.

